



# داستان

ویژه مربیان  
جهادی



مركز الأبحاث والدراسات

---





## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
تعریف.....	۵
ارکان داستان.....	۷
داستان‌گو.....	۷
مخاطب‌های برنامه داستان‌گویی.....	۸
قصه و مناسب بودن آن برای داستان‌گویی.....	۸
مراحل کار داستان‌گویی.....	۱۰
انتخاب قصه.....	۱۰
حفظ طرح قصه.....	۱۰
تمرین.....	۱۱
اجرا.....	۱۲
اصول.....	۱۴
نکاتی پیرامون داستان و داستان‌گویی.....	۱۸
قصه‌خوانی.....	۲۳
داستان‌گویی ساده.....	۲۳
داستان‌گویی همراه با تقلید صدا و حرکات.....	۲۴
بهره‌گیری از دیگران.....	۲۵
داستان‌گویی همراه با پرده خوانی.....	۲۶

۲۸.....	پرده خوانی به روش معکوس.....
۲۹.....	نمایش عروسکی.....
۳۵.....	کلان روایت ها.....
۳۵.....	تربیت اخلاقی- دینی.....
۳۹.....	تربیت اخلاقی.....
۴۰.....	اجتماعی.....
۴۲.....	حرف آخر.....
۴۳.....	منابع.....

## مقدمه

از آنجا که بخش قابل توجهی از مخاطبان فعالیت‌های فرهنگی در اردوهای جهادی کودکان هستند؛ رعایت «اصول تربیت کودک» در آموزش‌های جهادگران در اولویت امور قرار گرفت و با تلاش جمعی از جهادگران، پس از ارائه جزوه «اصول تربیت کودک»، اولین جزوه از سری جزوات تکمیلی این مبحث، تحت عنوان «اصول بازی» به جهادگران ارائه شد.

جزوه حاضر، سری چهارم این مجموعه با عنوان «داستان» به شما جهادگران عزیز تقدیم می‌شود.

با توجه به سیر محتوایی جزوات توصیه می‌کنیم، مطالعه جزوه «اصول تربیت کودک» را در اولویت قرار داده و پس از آشنایی با اصول تربیتی، با در نظر گرفتن نیازهای گروه جهادی خود و شرایط مخاطب، از هر کدام از جزوات دیگر این سری استفاده فرمایید.

لازم به توضیح است محتوای جزوات به گونه‌ای طراحی شده که نیاز مربی جهادی را در عرصه‌ی آموزش کودکان روستایی مخاطب خود مرتفع نماید. با این حال، این جزوات پاسخ‌گوی برخی نیازهای مادران گرامی و فعالین فرهنگی کودک نیز خواهد بود.

به منظور تکمیل فعالیت‌ها در بسته «تربیتی کودک» جزوه داستان و بانک‌های داستان، بازی و کاردستی ارائه می‌شود. جهت استفاده بهتر و حداکثری از جزوه پیش رو توجه به نکات زیر ضروری است:

- مطالب ذکر شده در جزوه پیش رو، با توجه به مطالب علمی موجود در کتب مرجع، مناسب برای گروه سنی زیر دبستان (۷-۰ سال) می باشد. پس لازم است گروه جهادی در تفکیک رده سنی، گروهی را برای کودکان زیر سن هفت سال اختصاص دهد.
- بدیهی است که با توجه به شرایط اقلیمی، جسمی، توانایی‌ها، استعدادها، آموزش‌ها و دیگر موارد، امکان جابجایی این بازه سنی وجود دارد. بطور مثال در منطقه‌ای شاید این جزوه بتواند برای کودکان تا سن ۸-۹ سال مفید بوده و در منطقه‌ای دیگر، پاسخگوی نیاز کودک سن ۶ سال هم نباشد.
- بازه زیر ۷ سال خودش نیز، به چند بازه تقسیم می‌شود. لذا بعضی مثال‌ها ممکن است مخصوص یکی از این زیر بازه‌ها باشد. بعنوان مثال بعضی روش‌ها مخصوص ۳-۴

سال و بعضی ۶-۷ سال است. هریک از این رده‌های سنی؛ اصول، مفاهیم، ابزار، شیوه‌ها، نکات و ملاحظات خاص خود را دارند.

- در سفرهای جهادی، ویژگی‌هایی چون ویژگی‌های منطقه‌ای و قومی\_ قبیله‌ای هم باید در نظر گرفته شود. زیرا نگرش غلط نسبت به منطقه و عدم اطلاعات کافی از ویژگی‌های خاص آن، ممکن است ناآگاهانه به دستکاری محیط بپردازد و اثرات نامطلوبی در منطقه به جا بگذارد.





# فصل اول

# داستان

## تصرف

داستان بیان واقعه‌ای است که حقیقت ندارد، یا در زوایای مختلفش، پرداخت ذهنی صورت گرفته و پایان باز دارد و هر مخاطب می‌تواند نتیجه‌گیری‌های مختلفی از داستان بیان شده کند.

کودکان از طریق شنیدن قصه و داستان یاد می‌گیرند چگونه مطالب را از طریق گوش کردن بیاموزند. قدرت زیاد تخیل کودکان، آن‌ها را برای لذت بردن بیشتر از قصه‌ای که می‌شنوند کمک می‌کند. کودکان همراه با شنیدن قصه‌ها - بویژه اگر قصه‌گو در کار خود ماهر باشد- سعی می‌کنند خود را جایگزین یکی از قهرمان‌های قصه کنند و در سرنوشت او شریک شوند.

کودکانی که در دوران پیش از دبستان به قصه‌گوش کرده‌اند، علاقه‌ی بیشتری به مطالعه نشان می‌دهند. شنیدن قصه برای کودکان قبل از دبستان، درک آن‌ها را از کلمات افزایش می‌دهد که باعث افزایش دامنه‌ی لغات کودکان می‌شود، همچنین کودک با گوش کردن به قصه‌ها، با واژه‌های زبان و ادبیات کشور خود و دیگر فرهنگ‌ها بیشتر آشنا می‌شود.

در داستان‌گویی مخاطبان امکان دخالت و اعتراض دارند و به خود اجازه می‌دهند که وسط کلام قصه‌گو بدون و با طرح پرسشی از سر مجهولات نگذردند تا ناپیدایی قصه را بفهمند؛ در حالی که در هنگام تماشای برنامه



تلویزیونی یا سینمایی امکان پرسش وجود ندارد و در اینگونه برنامه‌ها کودکان کاملاً منفعل‌اند. این امکان در داستان‌گویی، در پرورش استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان تاثیر فراوانی دارد.

کودک با شنیدن قصه و داستان تلاش می‌کند تا قهرمانان قصه‌ها را به عنوان الگوهای آینده خود برگزیند و از تجربه‌های آن‌ها در زندگی خود استفاده کند. وجود داستان‌ها و قصه‌های عبرت‌آموز در قرآن کریم را می‌توان نشان‌دهنده‌ی اهمیت و نقش قصه در شکل‌گیری شخصیت افراد دانست.



## ارکان داستان

هر داستانی که برای کودک بیان می‌شود چند رکن اساسی و مهم دارد:

- داستان‌گو؛
- مخاطب برنامه‌های داستان‌گویی؛
- داستان و محتوای انتخاب شده.

که هر کدام از موارد به تفصیل می‌آید.

### داستان‌گو

داستان‌گو کسی است که تصمیم دارد با استفاده از فن داستان‌گویی، قصه‌ای را برای مخاطب یا مخاطب‌های مشخص بازگو کند، تا پیام قصه را موثرتر انتقال دهد. اگر قصه‌گو با دنیای کودکان و نوجوانان آشنا باشد و منطق آن‌ها را بپذیرد، می‌تواند با بهره‌گیری از فنون داستان‌گویی، بذری تمام ارزش‌های بزرگ و کوچک مذهبی، اخلاقی و انسانی را در ضمیر مخاطب‌های خوب بکارد و مطمئن باشد که بیش از هر معلم دیگری آموخته است. زیرا آنچه در کودکی با قلم موثر هنر بر صفحه حساس دل کودک حک می‌شود، در بزرگی حتی با حربه عقل و علم و تجربه هم زدودنی نیست.



## مخاطب‌های برنامه داستان‌گویی

مخاطب‌های برنامه قصه‌گویی افرادی هستند که با شنیدن قصه و توجه به گفتار و رفتار قصه‌گو، ایشان را در ارائه قصه همراهی می‌کنند. این همراهی می‌تواند حتی به صورت تماشای یک برنامه تلویزیونی نیز باشد. اما بحث ما روی برنامه‌هایی است که قصه‌گو و مخاطب‌ها، رو در روی هم قرار گرفته‌اند و محدوده سنی مخاطب‌ها را کودکان تشکیل می‌دهند. در این حالت هر قدر که تعداد مخاطب‌ها کمتر باشد، داستان‌گویی راحت‌تر و موثرتر است زیرا قصه‌گو باید این امکان را داشته باشد که به چشم و چهره مخاطب‌هایش دیده بدوزد، تا با حالت‌های آنان آشنا شده و از آن برای بیان موثر قصه بهره‌گیرد. به طور کلی تعداد مخاطب‌ها، نسبت به نوع قصه، قدرت قصه‌گو و فضای داستان‌گویی متغیر است، اما شاید بتوان گفته که تعداد ۵ تا ۳۵ نفر شنونده برای برنامه داستان‌گویی مناسب است.

## قصه و مناسب بودن آن برای داستان‌گویی

هر قصه‌ای که به صورت کتاب درآمده باشد، دلیل بر خوب بودن آن نیست و گاه مضر و بی‌فایده است. در نتیجه قابلیت عرضه شدن به صورت داستان‌گویی را ندارد. آنچه به قصه قابلیت عرضه شدن می‌بخشد، مضمون یا درون‌مایه آن است. در واقع موضوع هر داستان مفهومی است که داستان به آن منظور بیان می‌شود. درون‌مایه یا مضمون دیدگاهی است که از



خواندن یا شنیدن داستان دریافت می‌شود. رعایت درونمایه‌ها و بیان آنها در داستان، در دراز مدت، سبب آن می‌شود که بعد از چند داستان مخاطب به یک درک لایتغیر برسد که مثلاً همیشه حق بر باطل پیروز است. مالکیت خدا را می‌پذیرد و در ناخودآگاه، کودک به باورهایی میرسد؛ باورهایی که در رفتار و منش کودک اثرگذار خواهد بود. این میزان اثرپذیری و بروز رفتاری به سایر عناصر داستان چون شخصیت پردازی بستگی دارد. اینکه شخصیت اصلی داستان چقدر توانسته در قلب کودک نفوذ کند و کودک متمایل باشد آن را الگوی خود قرار بدهد. بطور مثال اگر درونمایه احترام به والدین به اشکال متفاوت و گذرا بیاید، پس از شنیدن چند داستان، کودک به طور ناخودآگاه می‌پذیرد که می‌بایست به پدر و مادر خود احترام بگذارد و رفتار کودک شکل می‌گیرد.



## مراحل کار داستان‌گویی

مراحل کار یک قصه‌گو عبارت است از:

### انتخاب قصه

انتخاب قصه از حیث مناسب بودن محتوا و همچنین تناسب درون مایه با هدف قصه‌گویی و شرایط مخاطب بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال در حین دقت به مناسب بودن محتوا، هرگز نباید قصه‌ای را برای کودک انتخاب کنیم که او را به تن پروری، اعتقاد به شانس و اقبال عادت دهد یا عقاید خرافی و اوهام را به او تلقین کند؛ مثلاً داستانی نباشد که در آن یک جوان فقیر با انجام دادن فلان کار بی‌اهمیت ثروتمند می‌شود و شهرت جهانی کسب می‌کند. به طور مسلم کودکی که این داستان‌ها را بشنود حق دارد هر گونه فعالیت و تلاشی را برای پیشرفت در زندگی بی‌ارزش تلقی کند.

توضیحات مرتبط به محتوای داستان که در انتخاب قصه تاثیر بسزایی دارد، در بخش مربوطه آمده است.

### حفظ طرح قصه

پس از انتخاب قصه‌ای که از همه جهات مناسب باشد، اولین کار قصه‌گو، مطالعه مکرر و دقیق قصه است، تا خطوط اصلی آن را به ذهن بسپارد.



مسئله منظور ما این نیست که قصه‌گو تمام جملات قصه چاپ شده را حفظ کند بلکه در این مرحله قصه‌گو باید "طرح کلی" قصه را به خاطر بسپارد و به خوبی بداند که کدام صحنه بعد از کدام صحنه می‌آید و اوج و هیجان قصه کجاست، قصه از کجا شروع می‌شود و کجا خاتمه می‌یابد. در حفظ طرح کلی، قصه‌گو باید بفهمد که به قصه علاقه دارد یا نه. زیرا اگر قصه‌گو خودش احساسی نسبت به قصه‌ای که می‌گوید نداشته باشد، نمی‌تواند مخاطبی را تحت تاثیر قرار دهد.

### تمرین

قصه‌گو باید حین تمرین (بهترین راه تمرین در مقابل آینه است)، در یک لحظه هم شنونده باشد و هم گوینده. عیب‌های خودش را زیر نظر بگیرد. بخصوص به حرکات متفاوتی که هنگام داستان‌گویی از او سر می‌زند دقت بیشتری بکند. بهتر است قصه‌گو سعی کند حین تمرین کلمات ساده‌ای را که مخاطب می‌پسندد، داخل متن جا کند. قصه‌گو باید حین تمرین روی تک تک کلماتی که از دهانش خارج می‌شود حساسیت به خرج دهد و مدام از خود بپرسد: آیا مخاطب من، معنای این کلمه را می‌فهمد؟



## اجرا

در اجرای قصه دو مرحله مهم وجود دارد. یکی پیشگفتار قصه است و دیگری اجرای متن قصه. پیشگفتار قصه هر چیزی می‌تواند باشد و در حقیقت مقدمه‌ای است برای ایجاد آمادگی در روحیه مخاطب‌ها، تا قصه را صمیمانه‌تر بشنوند. پیش درآمد لازم است اما نباید طولانی باشد و نباید هیجان و پایان قصه را لو دهد. یکی از مهم‌ترین کارهای قصه‌گو، انتخاب شیوه داستان‌گویی جهت اجرای آن می‌باشد که در ادامه به توضیح شیوه‌های مختلف داستان‌گویی اشاره خواهد شد.



# فصل دوم

## بایدها و نبایدها



## اصول

قصه‌گویی نیز مانند هر قالب دیگری، بر اصولی مبتنی است که در کار با کودکان باید به دقت مراعات شود:

- توجه داشته باشید که قصه‌های کودکان جزو ابزارهای غیر مستقیم تعلیم و تربیت است و نمی‌تواند جنبه آموزشی صرف داشته باشد؛
- اصل آزادی برای کودکان زیر هفت سال در قصه‌گویی باید رعایت شود. کودکان باید از لحاظ ذهنی پذیرای قصه شما باشند. اگر کودک مخاطبتان در وضعیت پذیرش نباشد، مانند این است که برای گوش‌های ناشنوا قصه می‌گویید. بنابراین از روی اجبار خواهان تعریف کردن قصه برای کودک نباشید. بچه‌ها باید بخواهند که شما برایشان قصه تعریف کنید تا گوش دهند.
- زبان و مجموعه واژگانی که در قصه هست، نباید دور و بیگانه از سن و شرایط مخاطب باشد. زبان داستان باید با سطح بلوغ مخاطب منطبق باشد. لذا توجه به زبان، مکان، فرهنگ و سن کسانی که مخاطب داستان‌گویی هستند، ضروری است.



● داستانی را برای کودک انتخاب کنید که از جنبه‌های غیر تصور برای کودک دور و برکنار بوده، مطالب و محتوای آن برای کودک قابل درک باشد.

● بارها اتفاق افتاده که قصه‌ای برای افراد کلاس، یا کودکی تنها گفته شده است. در حالی که تقاضای شنیدن مکرر آن به گوینده قصه نیز از سوی همان شنوندگان ارائه گردیده است. کودکان با شنیدن دوباره قصه‌ها، به کشف موارد مجهول تازه‌ای دست می‌یابند. این مسئله باعث می‌شود که تکرار قصه‌های خوب برای بچه‌ها ناپسند نباشد.

● کودک حین شنیدن قصه به خیال پردازی و تخیل می‌پردازد و این موضوع برای کودک بسیار لذت بخش است. از این رو هنگام قصه گویی، از بیان جزئیات خودداری کنید تا کودک فرصت تخیل را از دست ندهد.

### ● درخواست نتیجه‌گیری توسط بچه‌ها مطلقاً ممنوع!

در برخی موارد قصه‌گو نقل قصه را با این جملات شروع می‌کند: «بچه‌های خوبم! امروز می‌خوام قصه‌... رو برای شما تعریف کنم. با



دقت گوش بدید و به من بگین از این قصه چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟»  
این شیوه نتیجه‌گیری برای کودکان زیر ۷ سال نادرست است زیرا:

▪ کودک در حین گوش کردن قصه در این استرس است که ممکن است بعد از گوش کردن قصه مورد تشویق یا تنبیه قرار بگیرد.

▪ هدف از شنیدن قصه، لذت و سرگرمی است و قصه‌های کودکان جزو ابزارهای غیر مستقیم تعلیم و تربیت است و نمی‌تواند جنبه آموزشی صرف داشته‌باشد. می‌توان در پایان داستان، با طرح چند سوال کودک را در جهت دریافت بهتر پیام یاری کرد.

- کودک بایستی با توجه به برداشت و تخیل خودش از داستان نتیجه بگیرد از این جهت داستان‌گو باید شرایط داستان را به صورتی بچیند که کودک نکات مثبت اخلاقی را خود دریافت کند. لذا نتیجه‌گیری از زبان گوینده یا شخصیت‌های داستان ممنوع است.
- قصه باید از حالت نصیحت‌گویی بیرون آید. دستورها و نهی‌ها در آن شکل غیر مستقیم داشته، حاصل آن به گونه‌ای باشد که طفل را از انجام عملی باز دارد یا به انجام عملی تشویق کند.



- توجه کنید که گره داستان نباید با مسائل غیر متعارف اخلاقی، انسانی، اسلامی باز شود، هرچند شخصیت داستان پس از باز شدن گره احساس پشیمانی و ندامت بکند.
- تناسب بین مکان قصه گویی و محتوای قصه را رعایت کنید به عنوان مثال: در شرایط روستایی داستان‌هایی که وابسته به فضای شهری و غیر روستایی است تعریف نکنید
- به این نکته مهم توجه داشته باشید که یکی از شرایط تربیت صحیح این است که مربی اوصاف و اخلاقی را که می خواهد به دانش آموز تعلیم دهد، خود متلبس به آن اوصاف و اخلاق باشد همان‌طور که در قرآن کریم آمده است، "اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ". اگر کودک تناقض مبانی گفته شده و رفتار مربی را درک کند دچار اختلال و سردرگمی خواهد شد.



## نکاتی پیرامون داستان و داستان گویی

- گوینده داستان باید ذوق و علاقه نسبت به این کار داشته باشد و کودکان را عوامل مزاحمی در اطراف خود نبیند در غیر این صورت نمی تواند داستان را آن طور که باید به آن ها منتقل کند.
- قصه گو باید لباس عادی بپوشد. داستان گویی که در اثر ژولیدگی بیش از معمول، یا آراستگی و خوش لباسی خارج از حد، غیر عادی جلوه کند، نمی تواند انتظار داشته باشد که مخاطب هایش فقط به داستان گویی او توجه کنند.
- گوینده داستان باید بزرگ تر از مخاطب ها باشد. اگر قصه گو هم سن مخاطب هایش باشد، باعث عصیان و اعتراض درونی آن ها و یا جلب حسادتشان می شود.
- بهتر است کودکان قصه را با صدایی مناسب بشنوند. داشتن صداهای بسیار ریز و یا بسیار بم، توجه مخاطب ها را از متن اصلی قصه سلب می کند. صداهای عادی و معمولی برای داستان گویی مناسب اند.
- قصه گو نباید لکنت زبان، لهجه و تکیه کلام داشته باشد. تنها زمانی قصه گو می تواند با داشتن لکنت زبان، صدای غیر عادی و تکیه کلام، به صورت موثر و گیرا قصه بگوید، که با تک تک مخاطب هایش قبلا



ارتباط صمیمانه برقرار کرده باشد. افرادی که دارای لهجه غلیظ کردی، اصفهانی، ترکی و ... هستند می‌توانند برای اقوام خودشان قصه‌گوی خوبی باشند.

- محتوای قصه‌ها از لحاظ تعداد مسائل مورد بحث اندک باشد؛ زیرا ذهن کودک قادر به پذیرش و هضم مسائل متعدد در قالب یک داستان نیست.

- حین قصه‌گویی برای تعداد افراد بالای ۱۰ نفر، بعضا مخاطبینی هستند که با حرف‌هایشان سیر عادی کار قصه‌گو را بهم می‌زنند، این افراد دو دسته‌اند: افرادی که به دلیل اینکه تحت تاثیر صحنه‌های قصه قرار گرفته‌اند، به اظهار نظری گذرا می‌پردازند. برخورد با اینگونه مخاطب‌ها کار دشواری نیست. قصه‌گو می‌تواند حرف‌چنین مخاطبی را نشنیده بگیرد و به داستان‌گویی خود ادامه دهد و حتی اگر حرف او در مخاطب‌ها موثر واقع شد، قصه‌گو می‌تواند سیر عادی داستان‌گویی را برای چند لحظه رها کند و با دو سه جمله حرف او را به قصه پیوند دهد و کم‌کم وارد سیر اصلی قصه شود.

دسته دیگر بچه‌های ناهنجاری هستند که به صورت غیر مستقیم به فکر جلب توجه دیگران و بزرگ‌نمایی خویش هستند. در دراز




مدت با دادن مسئولیت‌های کوچکی که به شیوه‌ای درست بتواند حس بزرگ طلبی چنین افرادی را ارضا کند و یا شرکت دادن آن‌ها در کارهای عمومی می‌توان از شدت ناهنجاریشان کاست. اگر این راه کارها فایده‌ای نداشت، چاره‌ای جز محروم کردن چنین کسانی از حضور در جلسه داستان‌گویی وجود ندارد.

- شخصیت‌های داستان باید به نحوی باشد که کودک با آن‌ها ارتباط برقرار کند. توانایی تصور آن‌ها را داشته باشد. تلاش کند به اخلاق نیکشان نزدیک شود، از رفتار ناپسندی که در آن‌ها هست دوری کند. در عین حال شخصیت باید به گونه‌ای باشد که کودک امکان رسیدن به آن را در خود ببیند.

- اگر در خلال داستان اتفاق‌های خوب یا بد رخ می‌دهد، به فراخور آن حادثه، کودک باید نتیجه را ببیند. شخصیتی دروغ می‌گوید، نتیجه‌اش را کودک ببیند. کسی دیگری را مسخره می‌کند، تنها ماندن شخص مسخره کننده را ببیند. اگر عدم تطابق فعل و نتیجه وجود داشته باشد، یا فعلی بیان بشود اما رها شود و نتیجه‌ای نداشته باشد، از آفت‌های داستان‌گویی است.

- در بیان داستان برای کودکان زیر ۷ سال از قصص قرآنی و پیامبران و ائمه می‌شود استفاده کرد، البته توصیه می‌شود که از بیان قرآنی





بودن و آوردن نام اصلی شخصیت داستان خودداری کنید. در این صورت می توانید تخیل خود و کودک را فعال کرده و داستان را کمی تغییر بدهید.

- گاهی لازم است برای هیجان بخشیدن به داستان و ایجاد شور و نشاط در مخاطب، وقایع را مقدم و موخر کرد. مثلا ابتدا یک واقعه گفته شود و سپس مقدمات آن آورده شود. در این صورت مخاطب از پیدا کردن نکات سرگشته رسیدن به ارتباط داستان هیجان زده شده و اثرگذاری داستان بیشتر می شود.



# فصل سوم

## روش‌های ارایه قصه



بیان قصه برای مخاطب شیوه‌های متفاوتی دارد:

### قصه‌خوانی

این روش ساده‌ترین شیوه ارائه یک قصه از سوی قصه‌گو است. در این کار قصه‌گو، متن قصه را به دست می‌گیرد و آن را از روی کتاب یا کاغذ برای مخاطب هایش می‌خواند. این روش دارای اشکالاتی است: کودک یا نوجوان، به قصه‌گو به صورت یک واسطه نگاه می‌کنند، که خودش چیزی ندارد و تنها واسطه‌ی انتقال کتاب به اوست.

قصه‌خوانی برای کودکانی که هنوز به مدرسه نرفته‌اند، می‌تواند با اعمال ملاحظاتی مناسب باشد. اما استفاده از این روش خیلی توصیه نمی‌شود چرا که هم کودک تمایل دارد همان خطوط سیاه روی کاغذ را ببیند و هم اینکه با واسطه بودن مربی، هیجان شنیدن قصه از بین می‌رود، ضمن اینکه مربی امکان دخل و تصرف در قصه را ندارد.

### داستان‌گویی ساده

در داستان‌گویی ساده خطوط چهره قصه‌گو و تغییراتی که هنگام بیان صحنه‌های قصه در خطوط چهره قصه‌گو ایجاد می‌شود، نقش عمده‌ای در انتقال بهتر قصه دارند. استفاده از تغییر خطوط چهره، در یک کلام به این معنی است که چهره‌ی قصه‌گو، هنگام بیان صحنه‌های غمگین، غم را



نشان دهد و در زمان بیان صحنه‌های شاد، گشاده و متبسم گردد. به عبارت دیگر، ضعف و پیری، شجاعت و دلاوری، جوانی و افتادگی و غرور و شکست و مهربانی و ... قهرمانان قصه از تغییرات چهره قصه‌گو استنباط گردد.

### داستان‌گویی همراه با تقلید صدا و حرکات

مسلمانان در هر قصه ما به چند شخص بر می‌خوریم. در قصه‌های کودکان ممکن است اشخاص قصه را حیوانات مختلف تشکیل دهند. هر شخص نمودار شیوه خاصی از تفکر و زندگی است. یکی از شیوه‌های داستان‌گویی این است که قصه‌گو متن قصه را به شیوه داستان‌گویی ساده پیش ببرد، اما وقتی به گفتگوی اشخاص قصه بر می‌خورد به تناسب شخصیت و طرز فکر و نوع صدای آن‌ها، لحن کلام خود را تغییر دهد. مثلاً وقتی به صدای پیروزی در قصه بر می‌خورد، صدای خود را زیر، لرزان و ضعیف کند و وقتی متن قصه به حرف‌های یک آدم مستکبر می‌رسد، قصه‌گو باید لحن کلامش را مستکبرانه کند، از سر سیری حرف بزند و بادی به غبغب اندازد، در بیان‌های حیوانات، پیش از شروع کلامشان نام آوای آنها را تکرار کند: قد قد قا... غار غار و...

این شیوه داستان‌گویی، نوعی اجرای تئاتر یک نفره است. یعنی یک نفر در نقش چند نفر بازی می‌کند. اجرای قصه با این شیوه احتیاج به تمرین بیشتر دارد. در این نوع از داستان‌گویی، می‌توانیم از تقلید حرکات دست و



پا و ... نیز استفاده کنیم. به عنوان مثال وقتی قصه پیر زنی را می‌گوییم، می‌توانیم حتی لحن کلام خویش را لرزان و ضعیف کنیم و به آرامی از جای خویش برخیزیم، کمی خود را خم کنیم، دست به کمر بگذاریم، آرام آرام و لنگان لنگان راه برویم و کلماتی را که پیرزن در قصه می‌گوید ادا کنیم. در این شیوه از وسایل محدود نیز می‌توانیم بهره بگیریم. برای مثال استفاده از لباسی که مناسب شخصیت قصه باشد و هم چنین استفاده از کلاه و عینک و کفش و عصا و ... می‌تواند مفید باشد. تقلید حرکات نباید آنقدر "واقعی" و "زیاد" باشد که کار داستان‌گویی را تبدیل به تئاتر کند.

### بهره‌گیری از دیگران

به جای این که قصه‌گو خود به تقلید صدا با حرکات شخصیت‌های قصه بپردازد و از این راه هیجان و جاذبه بیشتری به برنامه داستان‌گویی بدهد، می‌تواند از حضور افراد دیگری بهره ببرد کند. برای استفاده از این روش در اردوهای جهادی غالباً ناچار به استفاده از مخاطب‌هایی هستیم که سابقه تمرین هم ندارند و فقط برای شنیدن قصه گرد هم آمده‌اند. (همراه با بازیگران آشکار) (مثل خاله بازی‌ها) شما می‌توانید از کودک بخواهید که بعضی از عبارت‌های قصه را همراه با شما و یک صدا بخواند. مثل داستان



کدو قلقله زن که در این قصه کودک همراه با قصه گو می‌تواند یک قسمت از داستان را که یک قطعه شعر تکراری است را تکرار کند. (کدو کدوی قلقله زن، چرخ‌ی بزن، دوری بزن)

### داستان‌گویی همراه با پرده خوانی

اگر قصه‌گو هنگام قصه گفتن، صحنه‌هایی از قصه را هم که به صورت نقاشی قبلاً تهیه شده به بینندگان نشان دهد، داستان‌گویی همراه با پرده خوانی اجرا شده‌است. در واقع اگر قصه‌گو در کنار داستان‌گویی ساده، تصویر صحنه‌هایی را هم که می‌گوید نشان دهد، به شیوه «پرده خوانی» عمل کرده است. داستان‌گویی همراه با پرده خوانی، اگرچه جلوی تخیل بی‌انتهای کودکان را تا اندازه‌ای می‌گیرد، اما به آن‌ها کمک می‌کند تا از قصه لذت بیشتری ببرند و زودتر پیام قصه را بگیرند.

برای داستان‌گویی همراه با تصویرخوانی راه‌های متعدد، متنوع و پرجاذبه‌ای هست که هر کس به فراخور قدرت ابتکار و توان هنری خودش می‌تواند به یکی از آن‌ها دست بزند، در عین حال بد نیست ما در این جا به چند راه، از راه‌های ارائه قصه همراه با تصویر اشاره کنیم و کشف و اجرای راه‌های دیگر این شیوه را از ذهن مبتکر قصه‌گو انتظار داشته باشیم:

○ می‌توانید تصویرهای یک قصه را به ترتیب روی مقواهای هم اندازه بکشید و آن‌ها را روی هم بچینید و همین طور که قصه



می‌گویید و پیش می‌روید، یکی یکی تصویرها را بردارید و به مخاطب‌ها نشان دهید.

- می‌توانید تصویرها را به هم بچسبانید و مجموعه‌ی آن را دور لوله‌ای چوبی و یا فلزی بپیچید، و با باز کردن تصویرها از روی یک لوله و پیچیدن آن دور لوله دیگر، به ترتیب پیش بروید و در کنار تغییر تصویرها قصه‌ها را هم پیش ببرید
- می‌توانید تصویرهای یک قصه را نه به صورت منظم، روی یک تابلو یا مقوای بزرگ بکشید و بعد با استفاده از یک چوب باریک هنگام گفتن قصه به صحنه‌های مورد نظر هم اشاره کنید.
- می‌دانید که بچه‌ها از این که قصه‌ای را بارها بشنوند، خسته نمی‌شوند با این حساب می‌توانید از خود مخاطب‌ها کمک بگیرید، صحنه‌های قصه را بدهید بچه‌ها خودشان نقاشی کنند و از روی نقاشی‌های خود بچه‌ها قصه را دنبال کنید
- عکس‌های یک مجله را ببرید و آنها را با هم مخلوط کنید و سپس از کودکان بخواهید یک داستان با آن تصویر بسازد.
- داستان‌گویی همراه با تقلید حرکات، روشی مناسب برای کودکان خردسال است.



این راه‌ها و هر راه دیگری که به شما امکان بدهد تا در کنار قصه‌ای که می‌گویید، تصویر‌هایی هم داشته باشید که به مخاطب‌ها نشان بدهید، "داستان‌گویی همراه با پرده خوانی" است.


توجه داشته باشید که استفاده از دستگاه‌های اوپک و پروژکتور و... علاوه بر تاثیر فرهنگی نامطلوب در منطقه<sup>۱</sup>، به علت روشن و تاریک شدن مکرر فضای داستان‌گویی، تمرکز مخاطبین را به هم می‌زند و از ارزش و اهمیت قصه به مقدار چشم‌گیری می‌کاهد.

داستان‌گویی همراه با تصویر برای کودکان زیر هفت سال لذت بخش و سرگرمی‌آفرین است و درک کودک از قصه را بالا می‌برد. اما حین استفاده از این روش بهتر است که فقط نکات کلی آورده شود، که ضمن لذت بیشتر اجازه تخیل به کودک را بدهیم.

### **پرده خوانی به روش معکوس**

در این روش همانند روش قبلی، قصه گو تصاویری کلی از داستان مورد نظر تهیه می‌کند. سپس داستان را به چند بخش کلی تقسیم کرده و آن را به صورت بخش بخش به مخاطب ارائه می‌دهد. پس از پایان یافتن هر بخش از داستان، پس از این که کودکان به اندازه کافی فرصت تخیل در رابطه با داستان را داشته‌اند، تصاویر آن بخش را همچون پرده خوانی به کودکان نشان می‌دهد. درک تفاوت بین تصاویری که قصه گو آماده کرده





است با تخیل های ذهنی او، برایش بسیار جذاب است. در این روش علاوه بر تحقق تخیل توسط کودک، با دیدن تصاویر آماده شده ذهن او داستان را بهتر پردازش می کند.

### نمایش عروسکی<sup>۱</sup>

بیان نمایش به کمک عروسک، عروسک گردان، خیمه و راوی اتفاق می افتد.

---

<sup>۱</sup> در جزوه ای جداگانه به تفصیل می آید.



# فصل سوم

## درون‌مایه و کلان‌روایت‌ها



درونمایه، عصاره مفهومی داستان است و اغلب آن را یکی از عناصر بنیادی ادبیات داستانی می‌دانند. مفهوم یا ایده محوری داستان که عنصر وحدت بخش داستان هم هست. درونمایه فکر اصلی و مسلط بر هر اثری است، رشته یا خطی که در طول اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موفقیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر درونمایه را فکر و اندیشه‌ی حاکم بر اثر، که نویسنده در داستان اعمال می‌کند تعریف نموده‌اند. به همین دلیل می‌گویند درونمایه هر اثر هنری نشان دهنده جهت‌گیری فکری و نگرشی نویسنده را نشان می‌دهد. به عبارت ساده‌تر چنانچه پرسیده شود "از این داستان چه چیزی یاد گرفتید؟" پاسخ همان درون مایه خواهد بود.

داستان باید:

- در عین سرگرم کردن کودکان؛ زیبایی، صلح، صفا، صداقت و راستی را در آن‌ها پدید آورد و خوبی و بدی امور را به آن‌ها تفهیم کرده، مشکلات و نتایج بد اخلاقی را برای آنان به تصویر بکشد.
- نیروی عقل کودک را رشد دهد و او را به قضاوت و داوری بخواند. همچنین نیروی منطق و استدلال را در او تقویت کند و کنجکاوی وی را تحریک نماید.
- نتایج غلط به دست ندهد و یک نتیجه اخلاقی داشته باشد.



• هر داستانی که انتخاب می‌شود باید هدفی را دنبال کند که آن هدف ارزنده و در طریق سازندگی کودک موثر باشد.

علاوه بر مناسب بودن قصه از جهات اشاره شده، بایستی به کلان روایت‌هایی که می‌توانند در قصه دخیل باشند هم توجه کرد.

کلان روایت به معنی نظریه ای است که سعی دارد روایتی کلی و فراگیر از تجارب، وقایع گوناگون تاریخی و پدیده های فرهنگی، اجتماعی و دینی ارائه دهد تا طبق آن حقیقتی فراگیر یا ارزش‌هایی جهانی بنیان شود.

از چنین روایتی، داستانی است که کاربرد آن مشروعیت بخشیدن به قدرت، صلاحیت، اعتبار، دینداری، اختیار و رسوم اجتماعی است. در واقع این روایت‌های کلان با به کارگیری نوعی الگو یا دانش جهانی ادعای معنی بخشیدن به پدیده‌ها و وقایع گوناگون در تاریخ را دارند.

از تعریف فوق در می‌یابیم که کلان روایت‌ها، پیام‌های کوتاه، با حقایق دینی، اجتماعی، فرهنگی هستند که حضور آنها در داستان موجب می‌شود، حقیقت یا رفتاری برای مخاطب فرهنگ سازی شود. البته میزان اثرپذیری و بروز رفتاری به سایر عناصر داستان چون شخصیت پردازی هم بستگی دارد. اینکه شخصیت اصلی داستان چقدر توانسته در قلب کودک نفوذ کند و کودک متمایل باشد آن را الگوی خود قرار بدهد.



اشتباه مسلم ما در قصه‌های اخلاقی و تربیتی این است که برای گرفتن نتیجه‌ی تربیتی، قصه را به سخنرانی و درس اخلاق تبدیل می‌کنیم و اشتیاق کودک را برای همراهی از بین می‌بریم. به همین جهت کودکان بیشتر از قصه‌های داستانی محض استقبال می‌کنند. درحالی‌که می‌توان در قصه‌های داستانی هم اهداف اخلاقی را دنبال کرد بدون آنکه قصه را از جاده‌ی داستانی خودش خارج سازیم. لذا مجدداً توصیه می‌شود که در بیان مطالب، مربی توجه کند که بیان درون مایه‌ها و کلان روایت‌ها با واژگان مستقیم و نتیجه‌گیری مستقیم همراه نشود و در قالب مثل، مصداق و تک جمله بیاید.<sup>۲</sup>

کلان روایت‌هایی که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود متناسب با شرایط سنی مخاطب از قرآن کریم و فرهنگ تربیتی-دینی اقتباس شده‌اند. همچنین تلاش شده که باتوجه به در نظر گرفتن شرایط مخاطب و هدف‌های متناسب با روستا از بعد اجتماعی نیز بهره گرفته شود. بدیهی

---

<sup>۲</sup> باید توجه داشت که اثر گذاری کلان روایت‌ها، بستگی به تکرار پذیری آنها در داستان‌های گوناگون در طی زمان دارد. از طرفی چون شرایط کلاس درس و حضور در منطقه محدود است شاید به طور کامل کلان روایت‌ها ارضا نشوند و در اینجا به عنوان پیامک‌های داستانی که از طرف مخاطب دریافت میشود معنای روشنتری داشته باشد.



است که نکات و کلان روایت های دینی، اخلاقی و اجتماعی بیش از اینها بوده و فقط بخشی از آنها در اینجا آورده شده است.

در اینجا کلان روایت ها را به سه بخش تربیتی- دینی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم می کنیم.<sup>۳</sup> در بخش تربیتی- دینی یک سری اصولی که باعث می شود تفکر کودک شکل بگیرد را بیان می کنیم و در بخش اخلاقی، پروژات رفتاری کودک را و در بخش اجتماعی نکات مربوط به شرایط اجتماعی که کودک در آن قرار دارد بیان می شود.

باید توجه کنیم هدف از بیان کلان روایت ها این نیست که مربی باتوجه به آنها داستانی را بسازد، بلکه مربی میتواند حین نقل داستان به آنها اشاره کند. بیان یک کلان روایت در چند داستان باعث شکل گیری تفکر می شود. بطور مثال اگر احترام به والدین به اشکال متفاوت و گذرا در چند داستان بیاید، پس از شنیدن چند داستان، کودک به طور ناخودآگاه می پذیرد که می بایست به پدر و مادر خود احترام بگذارد و رفتار کودک شکل می گیرد.

---

<sup>۳</sup> هر کدام از مثال های کلان روایت ها، خود میتواند یک درونمایه برای انتخاب یک داستان باشد.



## کلان روایت ها

### تربیت اخلاقی - دینی

#### ❖ ربوبیت

خدا خالق عالم است و منتسب دانستن امور به ید قدرت الهی، حائز اهمیت است. به طور مثال در روند داستان خانواده ای دارای فرزند می شوند. در این شرایط حین ارائه قصه، بیان جملاتی چون "خدا این کوچولو رو به ما داده" می تواند در این مورد تاثیر گذار باشد.

#### ❖ تکیه و توکل بر خدا

ضمن داستان شرایطی پیش می آید که شخصیت داستان به مشکلی برمی خورد یا می خواهد کاری انجام بدهد. آنجا به خدا توکل می کند. در بیان روایت تولد حضرت موسی، مادر موسی وقتی فرزند خود را در گهواره می گذاشت جملاتی بیان کرد، مثل: "خدا هست من نگران نیستم"، "خدا حواسش بهم هست"، "خدا خودش کمک میکنه" جملاتی از این دست حین برخورد شخصیت ها با مشکلات مصادیقی از توکل به زبان ساده هستند.



## ❖ اصلاح

در بیان داستان، شرایط صدق و کذب، دعوا و ... پیش می آید. بیان اینکه "خدا دوست دارد که ما راست بگوییم". بیان اینکه "خدا دوست دارد همه با هم مهربان باشند" و چنین چیزهایی که محبت و اصلاح خداوند را برساند، می تواند مفید باشد.

توجه داشته باشید که برای کودکان زیر ۶-۷ سال، خدا یک مفهوم انتزاعی است از این رو اگر قصد استفاده از موارد فوق را دارید، باید شرایط سنی مخاطب را نیز در نظر بگیرید. به این نکته نیز توجه داشته باشید که بازه سنی گفته شده بسته به مناطق مختلف احتمال تغییر دارد که تشخیص این مسئله به عهده مربی است. اگر تشخیص دادید که مفهوم خدا برای مخاطب شما حالت انتزاعی دارد، می توانید با تغییر جملات این مشکل را حل کنید. به عنوان مثال در بخش اصلاح، به جای جمله "خدا دوست دارد ما راست بگوییم" می توان گفت "ما باید راست بگوییم"

## ❖ خودآگاهی

بیان اینکه هر آدمی خودش می داند چه اخلاقی دارد، چه رفتاری می کند، خودش خوب و بدش را می داند، در این بخش مدنظر است. مثلا اتفاقی رخ می دهد که شخصیت داستان در شرایط حساسی قرار می گیرد.



آن شخصیت کار بدی را انجام داده اما هنوز دیگران از انجام آن فعل بی خبرند. در بیان احوال آن شخصیت بیان عبارت هایی همچون "خودش می دونست کارش درست نیست" یا "خودش می دونست که باید فلان کار را انجام میداد" می توانند مناسب باشند. خودش میدانند که بیان های ساده ای برای نشان دادن خودآگاهی اند.

#### ❖ بیداری وجدان

پشیمانی بعد از انجام فعل یا فکر نادرست را می توان در داستان نشان داد. شخصیت داستان پس از انجام فعلی احساس ناراحتی میکند، خوشحال نیست و دچار درگیری های ذهنی می شود. بیان جملاتی در رابطه با سردرگمی شخصیت بعد از انجام فعل این موضوع را می رساند. جملاتی مثل: "ای کاش این کار را نکرده بودم" در این باره می تواند موثر باشد.

#### ❖ عزت نفس

بیان جملاتی که عزت نفس را در داستان به نمایش می گذارد؛ شجاعت/ روحیه کار و تلاش/ شکست مقدمه پیروزی/ عدم تحمل زور و ظلم. که هر کدام به فراخور داستان انتخابی میتواند در محتوای کلام داستان گو آورده شود.



❖ امر به معروف و نهی از منکر

این گزینه به معنای خاص امر معروف و نهی از منکر نیست بلکه معنای عام امر معروف و نهی از منکر مدنظر است. بطور مثال شخصیتی از داستان به دوست خود که رفتار نامناسبی داشته گوش زد می کند که "شکستن شیشه همسایه درست نبوده". یا به دوست خود پیشنهاد می کند که "برویم کمک پیرزن همسایه و خانه او را جارو کنیم"

❖ دعوت به فکر کردن

در خلال داستان با پدیده هایی مواجه می شویم که بوسیله شخصیت های داستان، کودک را دعوت می کنیم به دیدن پدیده های خلقت و اینکه چه کسی آفریده، چرا آفریده و... بطور مثال: علی داشت کنار جوی آب قدم میزد، دید برگ زردی از درخت بالای سرش در جوی افتاد، نگاهی به بالای سرش انداخت. خدای من! برگ درختان زرد شده بود؟! چه بلایی سر درختان آمده بود؟ و سایر پرسش ها و پاسخ هایی که در خلال داستان به آنها پرداخته می شود.

❖ شکرگزاری و تشکر

نعمت هایی که خدا داده است را شکر کنیم. از واسطه نعمت ها متشکر باشیم. مثلاً "حسن غذا را خورد، خدا را شکری گفت و بلند شد" یا "رضوان بخاطر لباسی که مادرش خریده بود او را بوسید و گفت ممنونم"



## تربیت اخلاقی

### ❖ رعایت ادب در داستان

در عین قاطعیت کلام گوینده، در داستان و شخصیت‌های خوب داستان اهانت و گستاخی مشاهده نکنیم و این مسئله را حتی الامکان به عباراتی چون "حرف زشت به زبان نیاورد"، "صبر کرد" یا "خشمش را قورت داد" به کودک بیان کرد.

### ❖ رعایت حیا در کلام شخصیت‌های داستان

تلاش بر این باشد که حیا در رفتار و شخصیت‌های داستان پیدا باشد. حیا در کلام مشخص باشد یعنی شخصیت‌های داستان با احترام با هم سخن بگویند پرهیز کنند از به کار بردن کلمات ناشایست، صدا کردن یک دیگر با اسمهای سخیف، پرهیز از دروغ، غیبت، بدگویی، رعایت عفت و...

### ❖ احترام به حقوق دیگران

در این بخش رعایت حقوق دیگرانی که در ارتباط با شخصیت اصلی هستند. اگر موضوعاتی چون مراعات زن و مرد بودن، رعایت حقوق والدین یا دوستان، مشورت کردن و... در خلال داستان دیده شود، سعی کنیم آن را به بیان جملاتی به کودکان برسانیم.

### ❖ تبری از صفات زشت



در طول داستان، شخصیتی که صفات زشت دارد یا باید از نگاه داستانی منفور و متروذ باشد بیزاری سایر شخصیت های داستان از صفات زشتی مثل حسد، اذیت کردن دیگران، داد زدن، بی احترامی به والدین و ... بهتر است با بیان عبارتی مشخص شود.

## اجتماعی

### ❖ عرق روستایی / ملی

علاقه به محل زندگی / داشتن وابستگی به محل زندگی در داستان دیده شود. مثلا در خلال داستان اتفاقی می افتد که شخصیتی مجبور به ترک محل زندگی خود میشود. در این شرایط بیان کلماتی که نشان دهنده وابستگی وی به محیط پرامونش میباشد همچون: من این جا رو دوست دارم ولی... میتواند موثر واقع شود.

### ❖ مودت

همدلی اهل روستا، با هم بودن در شرایط متفاوت در بیان داستان های اجتماعی دیده شود. یک مشکلی در جامعه داستان پیش آمده است. اهالی به بیان های متفاوت ابراز ناراحتی و همدردی میکنند.

### ❖ ساختن روستا/جامعه



تلاش برای آبادانی، بهتر شدن شرایط به نظر مخاطب بیاید و شخصیت های داستان با بیان و عمل به سمت بهتر شدن شرایط محل زندگی و رفع مشکلات موجود حرکت کنند.

در بخش اجتماعی، موضوعاتی که آورده شده، منفک از هم نیستند. مربی می بایست در انتخاب داستانهای خود به شیوه ای عمل کند که حداقل دو الی سه داستان، بر مبنای قالب های اجتماعی باشد.

برای کودکان، بیان داستان در قالب تمثیل اثرگذاری بیشتری دارد و فهم کلام را بالا میبرد. توجه کنید که مربی باید داستان مورد نظر خودش را باتوجه به طرح درس و شرایط کلاس انتخاب کند. بیان کلان روایت ها به مربی کمک می کند که بتواند داستان بهتری را انتخاب کند و یا در بیان داستان خود از این کلان روایت ها استفاده کرده و اثر پذیری و اثرگذاری داستان را در کودک افزایش دهد.

کلان روایت هایی که در اینجا آمده صرفا مصداق بوده و برای روشن شدن ذهن مربی است و لزومی به استفاده از تمامی کلان روایت ها نیست. هر کلان روایت به فراخور موقعیت وارد داستان می شود و این امکان نیز وجود دارد که برخی کلان روایت ها با یکدیگر همپوشانی داشته باشند. اما



باید توجه کرد که سیر و روند داستان نباید به گونه ای باشد که با کلان روایت های بیان شده تضاد و تناقضی داشته باشد.

## حرف آخر

مهمترین موضوع در این دوره سنی تحقق حس امارت در کودک است نه تبدیل او به آن چیزی که مورد علاقه ماست. البته این هدف در بستر محیطی سرشار از محبت و امنیت خاطر محقق می‌گردد. (جزوه اصول تربیت، ص ۱۰)

تلاش بر این است که تمامی نکات ارائه شده در این دوره، رعایت اصل فوق باشد لذا از شما مربیان گرامی درخواست میشود با توجه به تجربهها و دانش دینی- علمی خود ما را در بهتر شدن محتوایات این جزوه در ویرایشهای بعدی یاری کنید.

## منابع

- نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، سید سعید مهدوی، بوستان کتاب ۱۳۹۳
- راه و رسم قصه گویی برای خردسالان، راهنمای مربیان مهد کودک، مادران، پدران، معلمان و کتابداران همراه با ۴۰ قصه نمونه، بیتراکی، اکرم اکرمی، انتشارات قدیانی ۱۳۹۰
- مجله تربیت، تربیت، مصطفی رحماندوست، سال دوم، سری مقالات اهمیت و راه و رسم قصه گویی، ۱۳۶۵
- مادران قصه گو، سید حسن پورحسینیان، سعیده ذاکری، انتشارات بوی شهر بهشت، ۱۳۹۵
- سیمای کودکان فرزانه، سید نعمت الله حسینی کهلائی، انتشارات عصر انقلاب، ۱۳۸۸
- از سیادت تا وزارت، محمد جعفر عفرانی، یاسر رضازاده، قرآن و اهل بیت ۲ ۱۳۹۵ نبوت (ع)، ۱۳۹۵

# داستان

ویژه مریدان جهادی



حقیقتاً باید بگویم که اگر مسئولان فرهنگی کشور بخواهند مسالهی کودک و نوجوان را آنچنان که هست، مورد اهتمام قرار دهند، من خیال می‌کنم خیلی از آن‌هایی که مسئولند، از ساعت‌های خوابشان هم خواهند زد تا به این مساله بپردازند.

مقام معظم رهبری

